

پیدایش 3:16: سخنان خدا به حوا پس از تخطی

Hans-Jörg Ronsdorf · مه 2021 · بازنگری شده در اکتبر 2026

آیه‌های «3:16» در کتاب مقدس حرف‌های مهمی دارند. نه فقط یوحنا 3:16، بلکه همین آیه از کتاب اول موسی نیز. آیه‌های برجسته دیگری هم با شماره 3:16 هست، که البته اتفاقی است، چون فصل‌ها بعدها، در قرن سیزدهم، تقسیم و شماره‌گذاری شدند و آیه‌ها تازه در قرن شانزدهم.

آنچه برای ما مهم است این است که سخنانی که به حوا گفته شد، پس از آنکه میوه ممنوع را خورد و به آدم نیز داد، **چه معنایی دارند و چه معنایی ندارند**. اینکه آیا این موضوع مهم است یا نه، در پایان نوشته‌ام روشن خواهد شد. در اینجا چند ترجمه از این آیه را می‌آورم:

و به زن گفت: رنج آبستنی تو را بسیار افزون خواهم کرد، با درد فرزندان خواهی زایید؛ و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، اما او بر تو حکمرانی خواهد کرد. (Elberfelder CSV، ترجمه آلمانی کتاب مقدس) و به زن گفت: هنگامی که آبستن شوی، رنج بسیار برایت پدید خواهم آورد؛ با مشقت فرزندان خواهی زایید. و اشتیاق تو به شوهرت باشد، اما او سرور تو باشد. (Luther 2017)

من همیشه از این سخنان چنین نتیجه می‌گرفتم و چنین تفسیر می‌کردم، شاید همان‌گونه که شما نیز: خدا حوا را به سبب تخطی‌اش مجازات می‌کند، به این صورت که زایمان‌ها بیش از اندازه دشوار و دردناک می‌شوند. و نیز: او در روی آوردن به شوهرش با کسی روبه‌رو می‌شود که بر او حکمرانی می‌کند. اگر معنای لفظی ترجمه لوتر را دنبال کنیم («او سرور تو باشد»)، آنگاه این حکمرانی یک نظم سلسله‌مراتبی است که خدا خواسته است: مرد سر است و زن یک یاور.

در این سخن گویی مسیر تعیین می‌شود: ما چگونه به زن و به دامنه، انگیزه‌ها و تقصیر کار او می‌نگریم؟ در این میان (مثل بسیاری از موارد) ترجمه نقشی دارد که نباید آن را دست‌کم گرفت.

در این دو ترجمه، **رنج و آبستنی** دو اسم‌اند که به هم پیوند داده شده‌اند یا به یکدیگر ارجاع داده می‌شوند. اما اگر این آیه را در ترجمه Einheitsübersetzung یا Zürcher Bibel (ترجمه‌های آلمانی کتاب مقدس) بخوانید، چیز مهمی به چشم می‌آید:

به زن گفت: رنج بسیار برایت فراهم می‌کنم و بارها آبستن خواهی شد. با درد فرزندان می‌زایی. به شوهرت اشتیاق داری و او بر تو حکمرانی خواهد کرد. (Einheitsübersetzung) و به زن گفت: سختی‌های بسیار به تو می‌دهم و آبستنی‌هایت را فراوان می‌سازم، با درد فرزندان خواهی زایید. مشتاق شوهرت خواهی بود، و او بر تو حکمرانی خواهد کرد. (Zürcher Bibel)

در این دو ترجمه آخر، رنج و آبستنی مستقیماً ربطی به یکدیگر ندارند. پس **دو چیز** افزون می‌شود: رنج و آبستنی.

چنان‌که یکی از عبری‌خوانان برایم تأیید کرد، متن به روشنی و به‌طور لفظی چنین می‌گوید: «... بسیار بسیار افزون خواهم کرد رنج‌هایت را و آبستنی‌ات را ...».

یک برگردان آزاد آن را چنین بیان می‌کند: زحمت‌های تو و آبستنی‌هایت را دو چندان و چندین برابر می‌کنم؛ با رنج و سختی فرزندان خواهی زایید، اما اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، و او بر تو حکمرانی خواهد کرد.

توجه من به این نکته ویژه، که به نظرم مهم است، از طریق کتابی از بروس فلمینگ (Bruce Fleming)¹ جلب شد که این آیه را چنین برمی‌گرداند:

به یقین افزون خواهم کرد (1) کار پرزحمت تو را در کشتزار و (2) بارداری تو را.

سپس خدا زن را درباره آنچه بر او و بر آن دو گذشته است تعلیم می‌دهد، اکنون که فانی و سقوط کرده‌اند.

با زحمت فرزندان خواهی زایید

اشتیاق [عاشقانه] تو به سوی شوهرت [است]

اما او [که با سرکشی بر خود حکم می‌راند] بر تو حکمرانی خواهد کرد.

چرا این تمایز در بخش نخست آیه 16 مهم است؟ چون به این ترتیب سخنانی که به حوا گفته شد لحنی کاملاً دیگر پیدا می‌کنند، و مهم‌تر از آن، محتوایی دیگر. **نخست بسیار مهم است که دریابیم در این خطاب خدا هیچ لعنتی بر حوا نمی‌آید. درست برعکس!** نخست به او پیشگویی می‌شود که در زمینه کشاورزی رنج و زحمت بسیار خواهد داشت؛ دامداری و دیگر کارهای دستی که برای حفظ زندگی لازم است نیز جزو آن است. واژه «رنج» به این صورت فقط سه بار آمده است و همیشه به معنای کار پرزحمت در کشتزار است. آدم آن را چنین می‌شنود (پیدایش 3:17): زمین به سبب تو ملعون شد: «تمام ایام عمرت با رنج از آن خواهی خورد.» و لَمَك بعدها درباره پسرش نوح چنین می‌گوید (پیدایش 5:29): «این ما را تسلی خواهد داد از کار ما و از رنج دست‌های ما به سبب زمینی که خداوند آن را ملعون کرد.»

آدم با آگاهی کامل از آن منع، به سادگی میوه را از حوا گرفت و خورد. اما لعنت خدا دامن آدم را نمی‌گیرد. لعنت بر زمین می‌آید. **باز هم فیض در عدن.** پیامدها رنج در تولید خوراک است. زندگی، برخلاف عدن، به نبردی برای بقا تبدیل می‌شود. و چون حوا بر همان زمین زندگی می‌کند، و آن دو در مقام زن و شوهر با هم در راه‌اند تا از پس زندگی برآیند، همان رنجی که دامن آدم را می‌گیرد، دامن او را نیز می‌گیرد. علت حوا نیست، بلکه آدم است، زیرا به سبب کار اوست که زمین ملعون شده است.

اما اکنون، در بخش دوم جمله نخست، خبر خوش می‌آید، یعنی انجیل. آبتنی‌ها افزون می‌شوند!

حوا با وجود تخطی اجازه دارد مأموریت آفرینش را به انجام برساند: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید! با وجود تخطی، زندگی ادامه خواهد یافت. فرزندان بسیاری خواهند بود. و مهم‌تر از آن، یکی از این فرزندان سر مار را خواهد کوبید. مار نخست این سخنان را شنید که خدا به او می‌گوید:

[پیدایش 3:15] و دشمنی در میان تو و زن، و در میان نسل تو و نسل وی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید.

این سخنان را «انجیل نخستین» یا «پیش‌انجیل» (پروتوانجلیوم) می‌نامند. **اما این سخنان خطاب به ابلیس است و برای او یقیناً خبر خوشی نیست.** اما سپس مار باید بشنود که خدا اطمینان می‌دهد و تضمین می‌کند که فرزندی خواهند بود، که نسل زن خواهد بود. این برای حوا خبر خوشی است، همان‌گونه که برای آدم و برای ما که اجازه داریم در باغ گوش بسپاریم.

به این ترتیب سخنانی که به حوا گفته شد معنایی کاملاً دیگر می‌یابند، معنایی مثبت و امیدبخش.

زاییدن فرزندان برای حوا پرزحمت خواهد بود، همان‌گونه که کشاورزی برای آدم. زندگی پس از سقوط چیز دیگری شده است. وقتی حوا این سخنان را شنید، هنوز فرزندی نزاییده بود. مار و آدم سخنان لعنت و مجازات می‌شنوند، یک «پیش از آن» و یک «پس از آن» منفی. اما حوا نه! خدا هنگامی که در عدن با زن سخن می‌گوید، بدن او را تغییر نمی‌دهد. اما برخی ترجمه‌ها چنان به گوش می‌رسند که گویی خدا زن را به نحوی تغییر می‌دهد و زاییدن را به چیزی بد تبدیل می‌کند.

زاییدن فرزند فرایندی پرخطر است، اگر امکانات پزشکی، آن‌گونه که امروز در بسیاری از نقاط جهان هست، در دسترس نباشد. اما خدا در کنار زنان است. او یاور و نجات‌دهنده آنان است (اول تیموتائوس 2:15).

عیسی در سخنی تمثیلی به شاگردانش گفت، و می‌توانیم فرض کنیم که او همان کسی است که در باغ با حوا سخن گفت:

[یوحنا 16:21] زنی که می‌زاید سختی (یا: رنج) می‌کشد، زیرا ساعت او رسیده است؛ اما چون کودک را زایید، دیگر آن عذاب (یا: درد) را به یاد نمی‌آورد، از شادی اینکه انسانی به جهان زاده شده است.

نویسنده در آیه‌های 16 تا 19 با سختی‌های هستی انسان، به‌ویژه با جنبهٔ آفرینندهٔ زندگی، یعنی تولید مثل و تولید خوراک، تسویه حساب می‌کند. آن بی‌دغدگی پیشین اکنون با رنج آمیخته شده است: نیکي (فرزندان، خوراک) همراه با بدی (رنج) می‌آید.

فروپاشی رابطه

رابطهٔ آن دو قرار بود چگونه باشد؟ «خدا در دو واژهٔ پرمعنای عبری، **ezer kenegdo**، توصیف می‌کند که آن دو چگونه برای یکدیگر مقرر شده‌اند. آن‌ها برای یکدیگر آفریده شده‌اند، تنها با چند ساعت فاصله. همین که با هم باشند، باید زوجی بارور و خشنود باشند که با هم در باغ عدن خانه دارند. ... یک **ezer kenegdo** کسی است که برابر است، هم‌تا، کسی که با دیگری همکاری می‌کند، چون با شریک کردن توانایی‌هایشان به یکدیگر یاری می‌رسانند. ... این واژه تصویری از دو شخص پدید می‌آورد که روبه‌روی یکدیگر ایستاده‌اند. می‌توان آن را به "رودرو"، "آشکارا مقابل"، "متناظر" یا "برابر" ترجمه کرد.²

این قصد خدا اکنون دیگر تحقق نمی‌یابد. اکنون رنج و سرانجام مرگ دامن هر دو را می‌گیرد. رابطهٔ آن دو نیز دیگر همان نیست. حوا به سوی پدر فرزندان روی می‌آورد، خود را به او می‌سپارد، می‌خواهد در کنار او باشد. اما جنس مذکر، که از نظر جسمی قوی‌تر است، بی‌آنکه حکمی الهی داشته باشد، نقش رهبری را به دست می‌گیرد. خود را بالاتر از زن قرار می‌دهد، از او بهره‌کشی می‌کند و او را سرکوب می‌کند. تاریخ جهان این را میلیون‌ها بار تأیید کرده است، البته مثل همیشه به جز استثناهایی که بارها و همه‌جا بوده‌اند و هستند.

حوا چگونه رفتار کرده بود؟

او فریب خورده بود، فریب آن دروغگو و قاتل انسان‌ها را. هنگامی که خدا پس از آن با او سخن گفت، به کسی اشاره می‌کند که بزرگ‌ترین تقصیر را داشت: مار.

[پیدایش 3:13] و خداوند خدا به زن گفت: این چه کار است که کردی! و زن گفت: **مار مرا فریب داد و خوردم.**

حوا خود را از مار جدا می‌کند و او را متهم می‌سازد. تخطی بزرگ، که حوا با آن بهمنی به راه انداخت، از راه فریب پدید آمد. و او اعتراف می‌کند که خورده است. نگرش او بسیار بهتر از نگرش آدم است. میزان تخطی او با تخطی آدم قابل مقایسه نیست.

«خدا از زن پرسید، چنان‌که در پیدایش 3:13 آمده است: "چه کرده‌ای؟" **او بی‌بها به خدا پاسخ داد. او بی‌سرزنش به خدا پاسخ داد. او به شیوه‌ای کاملاً متفاوت با مرد سخن گفت.** او دیگر فریب نخورد. شاید وقتی شنید که خدا از مرد بازخواست می‌کند، همه‌چیز برایش روشن شد. به هر حال اکنون دید که چه رخ داده است. در حکمت تازه‌اش بدی را شناخت و گفت: "مار مرا فریب داد و خوردم." با این پاسخ، مار شیر را به عنوان سرچشمه فریب خود رسوا کرد. و به بدی‌ای که در حال فریب‌خوردگی کرده بود اعتراف کرد: "و خوردم." آیا او نیز، همان‌گونه که مرد هم‌اکنون کرده بود، بدی بیشتری مرتکب شد؟ نه. آیا مردی را که با او بود مقصر دانست؟ نه. آیا خدا را مقصر دانست؟ نه. با این حال، آنچه کتاب مقدس درباره او به ما می‌گوید، آن چیزی نیست که اغلب از او تصویر می‌شود. و این تصویر نادرست از او از زمانی بسیار دور وجود داشته است.»³

در عدن هر کدام لقمه‌ای خوردند. اما میزان نافرمانی‌شان متفاوت بود. آنچه در دل هر کدام می‌گذشت یکسان نبود.

آدم واکنشی آشکارا لجوجانه نشان می‌دهد، و بدتر از آن، اتهام‌آمیز:

[پیدایش 3:12] و آدم گفت: **این زنی که قرین من ساختی، او از درخت به من داد و خوردم.**

آدم نخست تقصیر را به گردن حوا می‌اندازد. و به گردن خدا. این تقریباً اتهامی بر ضد خداست، گویی خود آفریدگار مقصر است. با این کار او به مار نزدیک‌تر می‌ایستد تا به خدا. حوا از آدم به خدا نزدیک‌تر است. از این رو در این لحظات نقش مهم‌تری هم به حوا داده می‌شود: او نسلی خواهد داشت (نه آدم) که همه‌چیز را واژگون خواهد کرد و علت عدنی تازه و بهتر خواهد بود. جایی که دیگر هیچ وسوسه‌گری نخواهد بود.

فریبنده

مار پس از حمله‌اش نمی‌تواند بگریزد. خدا با مار سخن می‌گوید و به او می‌گوید: می‌دانی که به دردرس افتاده‌ای! شنیدم زن همین حالا چه گفت. و سخنانش راست بود. تو به او دروغ گفتی و فریبش دادی، و او همین حالا کارهای تو را آشکار کرد. من او و تو را به عنوان دو طرف مقابل تأیید می‌کنم. تو پاشنه نسل او را نیش خواهی زد. اما نسل او تو را نابود خواهد کرد. سرت را.

شیطان وسوسه‌گر بود. او هم زن و هم مرد را فریب داد.⁴ متن عبری در پیدایش 3:1-5 نشان می‌دهد که او هر بار که می‌گوید «شما»، ضمیر جمع به کار می‌برد. به عبارت دیگر، او سخنانش را فقط خطاب به زن نگفت. او گفت: شما دو نفر، همه شما، هر دوی شما. و مرد آنجا بود و به آنچه او می‌گفت گوش داد.

او به خدا حمله می‌کند و حقیقت را وارونه می‌سازد! او انکار می‌کند که آنان واقعاً به صورت و شباهت خدا آفریده شده‌اند. او پیشنهادی مقابل می‌دهد. این میوه را بخورید، آنگاه مانند خدا خواهید شد. وانمود می‌کند که دانشی نیکو به او پیشنهاد می‌کند. آنچه به راستی پیشنهاد می‌کند این است که آنان نیک و بد را بشناسند!⁵

امیدوارم تا حدی روشن شده باشد که سخنانی را که به حوا گفته شد چقدر متفاوت تفسیر کرده‌اند. هر تفسیر، یا هر عینک تفسیری، به متن‌های عهد جدید درباره حوا «رنگ‌مایه» خاصی می‌دهد. فقط دو بخش است:

[دوم قرنتیان 3-11:2] زیرا من با غیرت خدایی درباره شما غیرت دارم؛ زیرا شما را به یک شوهر نامزد کرده‌ام تا شما را همچون باکره‌ای پاکدامن به مسیح تقدیم کنم. اما می‌ترسم که مبادا، همان‌گونه که مار با حیلۀ خود حوا را فریب داد، فکر شما نیز فاسد شود و از سادگی نسبت به مسیح منحرف گردد. [اول تیموتائوس 2:15-12] اما به زن اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد حکمرانی کند، بلکه باید آرام باشد، زیرا آدم نخست ساخته شد، پس از آن حوا؛ و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورد و در تخطی افتاد. اما او به وسیلۀ زاییدن فرزند نجات خواهد یافت، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت با نجابت پایدار بمانند.⁶

فریب خوردن خطری واقعی است. حوا نمونه‌ای از آن است. نه به این دلیل که زنان فریب‌پذیرترند. این را نمی‌توان به زور از متن بیرون کشید. او نمونه‌ای گویاست از اینکه چنین چیزی چگونه می‌تواند رخ دهد. گمراه شدن و فریب خوردن مشکل زنان نیست، بلکه مشکل انسان است. کافی است این واژه‌ها را در عهد جدید جست‌وجو کنید؛ در آنجا همیشه سخن درباره همه است، درباره مردان و زنان. مسئولیت سقوط را آدم باید بر عهده بگیرد. حوا قربانی بود (و البته با این حال مسئول). آدم مرتکب بود. او «با دست برافراشته» گناه کرد. با چشمان باز و با آگاهی کامل از فرمان خدا میوه را خورد. او، و نه حوا، سر بشریت سقوط کرده می‌شود (رومان 5؛ اول قرنتیان 15)، هرچند حوا مادر همه زندگان است. «هنگامی که خدا درباره آن سه نفر کنار درخت داوری می‌کند، در سخنان داوری‌اش مرد را در کنار شیطان قرار می‌دهد.⁷ خدا با زن جدا از این دو شورشی رفتار می‌کند، زیرا او عمداً شورش نمی‌کند. او تنها پس از آنکه فریب خورد نافرمان می‌شود.»⁸

اینکه حوا، کار او و سخنانش را چگونه تفسیر کنیم، بر نگاهی که به زنان داریم اثر می‌گذارد. این متن برای همین بود: تا یک بار دیگر، از نو، به همان آغاز بنگریم.

Hans-Jörg Ronsdorf, 25 مه 2021, hj-ronsdorf@t-online.de

پی‌نوشت‌ها

1. Fleming, Bruce; Fleming, Joy; Hagemeyer, Joanne. The Book of Eden, Genesis 2-3: God Didn't Curse Eve (or Adam) or Limit Woman in Any Way. نسخه Kindle، ص. 96.
2. Fleming, The Book of Eden، ص. 33.
3. Fleming, The Book of Eden، ص. 56.
4. اینکه پولس دو بار می‌گوید حوا فریب خورد، به این دلیل است که او نخست سخن گفت، واکنش نشان داد و عمل کرد (دوم قرنتیان 11:3؛ اول تیموتائوس 2:14).
5. مقایسه کنید با: Fleming, The Book of Eden، ص. 54.
6. درباره این آیه به تفصیل نوشته‌ام (در کتابم «ای زنان، ما را ببخشید!» («Frauen, vergebt uns!»)، فصل 6.3): این یک منع همگانی از تعلیم دادن برای زنان نیست، بلکه مشکلی مشخص در افسس است، جایی که تیموتائوس این نامه پولس را دریافت کرد. هشدار پولس این است: کسی، چه زن و چه مرد، که تعلیم نیافته و نیاموخته است، نباید و نمی‌تواند به دیگران تعلیم دهد. نه در جلسه جماعت و نه در جای دیگر. زیرا او در نامه دوم به روشنی می‌گوید: [دوم تیموتائوس 2:2] «و آنچه در

حضور شاهدان بسیار از من شنیدی، به مردمان امین بسپار (به یونانی: anthropos؛ انسان‌ها: مردان و زنان) که قابل باشند دیگران را نیز تعلیم دهند»، خواه در جلسهٔ جماعت و خواه به سادگی در هر جا و برای هر شنوندهٔ مشتاق آموختن. پولس با این سخن با خودش تناقض ندارد، وقتی در اینجا زنان را به تعلیم دادن تشویق می‌کند، بلکه این نشان می‌دهد که در افسس یک زن یا چند زن مشکل بودند، همان‌گونه که ممکن بود مردان هم مشکل باشند (که البته در این موقعیت چنین نبود).

7. این از شباهت سخنانی که به مار و به آدم گفته شد نیز پیداست.

8. Fleming, The Book of Eden، ص. 110.